

مختصری در مورد ادامه مبارزات

* اتحادیه مارکسیستها

حجت برزگر

* تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۰۷/۱۳ (۲۰۰۹/۱۰/۰۵ میلادی)

* آدرس تماس با اتحادیه مارکسیستها از طریق پست الکترونیکی:

melh9000@tele2.se ، melh9000@comhem.se و melh9000@yahoo.com

فهرست

صفحه	عنوان
	* مختصری در مورد ادامه مبارزات
	۱
۳	۲_ معنای «مذهب افیون خلق است» چیست؟
۶	۳_ در باره نشست «سازمان ملل»
۱۳	۴_ در باره مبارزه مسلحانه

مختصری در مورد ادامه مبارزات

نخست اعلام کنم که در هر جای نوشته های من که چه کلمه «ما» و چه «من» بکار رفته است در هر دو حالت مطالب با کمک یهوه و با موافقت او نوشته شدند. منتها در تایپ کردن یا نوشتن متن که بنا به دلائلی با عجله انجام دادم و غیره ممکن است مطالب دارای ایرادات کلامی و گرامری باشند. البته این نکات آنقدرها زیاد نیستند که از درک کردن مفهوم نوشته ها بکاهد. با وجود این هر زمانی که فرصتی بیابم به کلیه نوشته ها رجوع کرده و بطور کامل اصلاحات لازم را از هر نظر انجام خواهم داد.

۱

در عرض چند ماه پس از «انتخابات ریاست جمهوری» رژیم «جمهوری اسلامی ایران»، رژیم جنایتکار حاکم همچون گذشته که در دوره های مختلف حمله گسترده ای را علیه مردم معترض و مخالفین خود از طریق نیروهای جنایتکار خود که جزو قمه زنان، زنجیر زنان و سینه زنان نادان «تاسوعا و عاشوراء» هستند اجراء کرد که هزاران نفر را بطرق مختلف دستگیر، شکنجه و صدها نفر را بطرق مختلف اعدام کردند. یکی از بدترین نوع شکنجه که آسیب دیده گی شخص نمایان نمیشود شکنجه جنسی است که همچون گذشته صورت گرفته است و فرد شکنجه شده بدینطریق ضمن دچار شدن ناراحتیهای روحی دچار آسیبهای جسمی از جمله آسیب دیده گی دستگاه گوارش میگردد و از بین میرود، از مواد شیمیائی آسیب رسان و کشنده استفاده کردند، افراد را مرده و زنده در آتش سوزاندن، از بام های ساختمانها به زمین پرتاب کردند، عده ای را مفقودالاثر کردند و بدنبال آن خانواده های افراد را تهدید کردند تا حرفی در این مورد نزنند. این اعمال وحشیانه باید بدون کوچکترین تزلزلی از طریق از بین بردن کامل رژیم جنایتکار حاکم خاتمه یابد.

۲- معنای «مذهب افیون خلق است» چیست؟

گوئی هنوز یک عده متوجه نشدند که معنی «مذهب افیون خلق است» به چه معنی است. هر

چند مارکس که این جمله را مطرح کرد در همین اثر خود توضیحاتی هم داد. مارکس در همین اثر خود ازجمله نوشت که:

«مادام که انسان بر محور خویش نمیگردد، مذهب تنها خورشید دروغین ﴿یا پندارگونه ای﴾ است که بر گرد انسان میگردد.»

و پاراگراف کامل آن بشرح زیر است:

«نقد، گل های خیالی ﴿نشسته بر زنجیر﴾ را پرپر کرده است، نه از آنرو که انسان زنجیری عریان و خشن را بر گردن گیرد، بلکه از آنرو که زنجیر را به دور افکند و گل زنده ﴿و واقعی﴾ را ﴿از شاخه﴾ بچیند. نقد مذهب، انسان را از ﴿بند﴾ فریب می رهااند، تا بیندیشد، تا عمل کند، تا واقعیتش را همانا چون انسانی بخود آمده و خرد بازیافته بر نشاند؛ تا بر گرد خویش، و از آنرو، بر گرد خورشید راستین خویش بگردد. مادام که انسان بر محور خویش نمی گردد، مذهب تنها خورشید دروغین ﴿یا پندارگونه ای﴾ است که بر گرد انسان می گردد.» (نقد فلسفه حق هگل – مقدمه).

در اینجا کاملاً مشخص است که منظور مارکس «دین» یعنی قانون نیست بلکه دست آویز شدن مردم در شرایط سخت به نیرویی یعنی خدا است. عبارت دیگر انسان در شرایط سخت که حس میکند توانائی رها کردن خود از آن شرایط را ندارد در انتظار نیروی قوی برای رهایی خود می نشیند. این عمل همان نقش «افیون» یا تریاک یا تسکین دهنده را دارد یعنی باعث آرامش روحی آنان در چنین شرایطی میگردد و این مسئله تا زمانی که توده مردم آگاهی نیافتند ایرادی ندارد. مارکس در این رابطه ایرادی نمی دید. ولی او برای رهایی مردم از دست کشیشان، آخوندها و امثالهم (یعنی «مذهب») در اول همین اثر اعلام کرد:

«نقد مذهب، پیش – نهاده هر نقدی است.»

در اینجا منظور مارکس این نیست که کتب دینی یعنی تورات، (انجیل) و قرآن مورد «نقد» قرار گیرند بلکه منظور او مزخرفات کشیشان و آخوندها و امثالهم است که باید مورد نقد قرار گیرند که دائماً بنام «انبیاء»، «مذهب» و «خدا» مطرح می کنند.

برای آگاهی دادن به توده مردم و پی بردن به حقایق «خلقت انسان» و غیره ازجمله از طریق بررسی کتاب دینی یعنی تورات امکان پذیر است که ما در این دوره از زمان، به اندازه کافی تورات را ازجمله بدین منظور مورد بررسی قرار دادیم که بخشهای پنهانی آن را که در واقع در زیر نوشته ها مخفی بودند و مربوط به زمان حال هستند نه گذشته آشکار کردیم. این را

نشان دادیم که از «باب پنجم» «سفر پیدایش» جداول (یا دیاگرام) پنهان هستند که در مورد وقایع تاریخ تکاملی و غیره با ذکر دقیق زمانها، آنها را نشان میدهد که حتی در مورد وقایع آینده یعنی از زمان نوشته شدن تورات نیز وقایع تاریخی با ذکر زمانهای آنها ثبت شده است. و یا از «باب اول» تا «باب پنجم» مسائلی را آشکار کردیم که ازجمله در مورد ساخته شدن کهکشان منظومه شمسی است.

بنابراین، مارکس نمیتوانست علیه قانون حتی اگر بنام دینی باشد مخالف بوده باشد، زیرا خود او شخصاً همراه با رفقای خود ازجمله انگلس قوانین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هم در «مانیفست حزب کمونیست» و هم در آثار دیگر خود ازجمله اساسنامه ها و برنامه نوشت. همچنین زمانی که خواست «جدایی مذهب از دولت و مدارس» مطرح شد منظور جدائی دم و دستگاه کلیسا، مساجد و امثالهم است، یعنی قطع دخالتگری کشیشان، آخوندها و امثالهم بعنوان یک ارگان ویژه از دولت است. و اگر کشیشان و آخوندها نیز بخواهند بعنوان تشکل سیاسی در امور اقتصادی و اجتماعی شرکت و دخالت کنند باید همانند دیگر تشکل های سیاسی عمل کنند، یعنی برنامه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود را که باید مربوط به همان دوران باشد به جامعه معرفی کرده، فعالیت سیاسی داشته و در انتخابات عمومی دموکراتیک شرکت کنند. ولی امروز بخصوص در ایران تنها یک تشکل سیاسی «مذهبی»، قدرت سیاسی را در دست گرفته و سلطه نظام استبدادی را در جامعه اینبار تحت عنوان «حکومت اسلامی» برقرار کردند، یعنی سانسور و خفقان را در جامعه برقرار کردند، تمامی تشکل های سیاسی مخالف خود را ممنوع و تحت تعقب قرار داده و اعضای آنها را دستگیر و به زندان انداخته، شکنجه و بقتل می رسانند و مشغول غارتگری و استثمار کارگران و زحمتکشان هستند. بنابراین همانطور که مارکس مطرح کرد باید شدیداً مزخرفات آخوندها و... مورد نقد قرار گیرند تا توده مردم آگاهی یابند.

تجزیه و تحلیل قوانین مذهبی یعنی قوانین فقط در تورات، (انجیل) و قرآن مسئله دیگری است، و باید آن را از مبارزه با نظامهای استبدادی که معمولاً تحت عناوین مختلف بر جامعه حاکم گشتند مانند «حکومت اسلامی» و غیره جدا کرد. از اینرو رژیمی که تحت عنوان «جمهوری اسلامی» در ایران حاکم است جز یک حکومت استبدادی مخوف مدافع نظام سرمایه داری چیز دیگری نیست و باید بطور کامل نابود گردد.

در اینجا به این نکته هم اشاره کنم که وظائف موسی، عیسی، محمد، مارکس، انگلس، لنین و مائو بعنوان انبیاء همانی بود که در دوره های مختلف تاریخی - اقتصادی در مناطق

مختلف انجام دادند، یعنی ازجمله وظایف آنان بررسی تورات، انجیل و قرآن نبود. در این دوره یهوه مرا بعنوان نبی انتخاب کرد تا به مسائل مختلف اعم از تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بخصوص از طریق بررسی تورات و انجیل و قرآن پردازم که تاکنون این بررسی از زوایای مختلف صورت گرفت بخاطر روشن شدن مسائل مختلف و گذر از خرافات و مزخرفاتی که کشیشان، آخوندها و امثالهم تبلیغ میکنند، سازماندهی توده مردم علی العموم و بطور مشخص کارگران و زحمتکشان تا با آگاهی و بدون ترس و با ایمان راسخ در جهت تغییر وتحول اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رو به پیش برخیزند.

۳- در باره نشست «سازمان ملل»

مطرح کردن نکاتی در مورد نشست «سازمان ملل» در نیویورک که از تاریخ دوم مهر ماه ۱۳۸۸ آغاز شده بود نیز ضروریست. این شارلاتانبازیهای سرمایه‌داران که تحت عنوان «سازمان ملل» علیه طبقه کارگر و زحمتکش پیش برده میشود همچنان ادامه دارد و این نشست از همه اجلاس تاکنونی این سازمان مضحک تر بود و ریاکاری آنان را بیشتر از هر زمان دیگر فاش ساخت.

به هر حال، اول اینکه اصل بر این است وقتی جلسه ای برگزار میگردد شرکت کنندگان حق دارند نظرات خود را در جلسه مطرح کنند و دیگران نیز موظف هستند که به نظرات هم گوش فرا دهند و سپس در مخالفت یا موافقت پاسخ دهند و یا سکوت را بعنوان نه مخالف و نه موافق اختیار کنند، نه اینکه وقتی شخصی که به جلسه دعوت شده است و عده ای چنانچه با سخنان او موافق نیستند جلسه را موقتی ترک کنند. در یک جلسه ای که جنبه عمومی دارد این عمل بمعنی فریب دادن عموم مردم است. به هر روی، «احمدی نژاد» که در این جلسه شرکت کرده بود نظرات و اهداف خود و رژیم خود را مطرح کرد. آیا جواب او و رژیم جنایتکار حاکم در ایران ترک جلسه بود؟ به هیچوجه. بورژوازی اروپا و آمریکا که همیشه علیه رقباء و مخالفین خود با دست پر حرکت میکنند، گویا هیچ چیزی برای پاسخگویی به مزخرفات رژیم جنایتکار در دست نداشتند جز ترک کردن جلسه! آیا اینان که اینهمه ادعای زرنگی میکنند نمی توانستند تمامی فیلم ها و عکس ها چه در مورد کشتار یهودیان در آلمان (که البته تنها یهودیان نبودند که کشتار شدند بلکه سوسیالیستها و کمونیستها هم

بودند) و چه در مورد کشتار مردم ایران که در عرض سه دهه اخیر و بخصوص در این سه ماهه اخیر در ایران صورت گرفت را به «احمدی نژاد» و رژیم جنایتکار وی و توده وسیع مردم که به این نشست چشم دوخته بودند نشان دهند؟ چرا اینان میتوانند چنین عمل کنند، اما هدفشان بهیچوجه این نیست که توده‌ها آگاه گردند، زیرا این جلسه کاملاً بخاطر مسائل دیگر برگزار شده بود. جواب این مسئله را میتوان در سخنرانی یا خواندن متن توسط «احمدی نژاد» یافت. ازجمله اینکه او از «دوستان و همکاران» خود طلب کمک علیه «وضع موجود» کرد که در واقع علیه «وضع» فعلی ایران است که «احمدی نژاد» با رژیم‌اش در باتلاقی گرفتار شدند که هر کاری بکنند در این باتلاق فرو خواهند رفت. البته «دوستان و همکاران» او در پاسخ به رژیم جنایتکار ایران اعلام کردند که بعداً جواب خواهند داد، یعنی اینکه آیا در یک چنین شرایطی جرأت کمک کردن به رژیم جنایتکار ایران را خواهند کرد یا اینکه برعکس طبق «قطعنامه» ما علیه رژیم جنایتکار اقدام خواهند کرد. بعبارت دیگر هر کدام بنفع آنان باشد عمل خواهند کرد نه پاسخ دادن مثبت به درخواست «احمدی نژاد»، یعنی بطریقی کمک کردن به او و رژیم‌اش در سرکوب کردن مردم بپا خواسته علیه رژیمی که دیگر نه توان فریبکاری و نه توان سرکوبی کامل مخالفین خود را دارد و همانند مترسکی بیش بنظر نمیرسد. تا جایی که به پاسخ «دوستان و همکاران» تاکنونی «احمدی نژاد» و رژیم او برگردد ظاهراً در نشست «سازمان ملل» با بیرون رفتن از سالن پاسخ منفی خود را به رژیم دادند.

«احمدی نژاد» در این نشست به نکاتی اشاره کرد که پرداختن به چند مورد آن ضروری است. او در سخنرانی خود مطرح کرد:

«... و دیگری که با ایمان به خدای یگانه و در پیروی از تعلیمات انبیاء الهی، با احترام به کرامت انسانها و با عشق به نوع بشر، در صدد برپایی جهانی سرشار از امنیت، آزادی، رفاه و صلح پایدار مبتنی بر عدالت و معنویت برای همگان است.»

در اینجا شارلاتانیسم «احمدی نژاد» معیوب المغز خلخالی یا شبان بی مخ نادان کاملاً آشکار است. همانطور که فوقاً مطرح کردیم اگر در نشست «سازمان ملل» فیلم‌ها و عکس‌های همین سه ماهه اخیر بعد از باصطلاح «انتخابات ریاست جمهوری» رژیم نشان داده میشد برای خنثی کردن چنین مزخرفاتی که با کمال پروئی مطرح شد کافی بود. و اما در مورد «پیروی از تعلیمات انبیاء» ما چند بند یا «آیه» از نبی‌ای که او و رژیم او نیز او را بعنوان نبی

قبول دارند یعنی محمد را در ذیل میآوریم تا تفاوت‌های این شارلاتانهای غارتگر و جنایتکار با «انبیاء» کاملاً آشکار شود:

«بگو که ای کافران مشرک (۱) من آن (بتان) را که شما میپرستید هرگز نمی پرستم (۲) و شما هم آنخدائیکه پرستش میکنم پرستش نمیکنید (۳) نه من خدایان شما را عبادت میکنم (۴) و نه شما معبود مرا عبادت خواهید کرد (۵) پس دین شما برای شما و دین من برای من (۶)» («سوره کافرون»).

تفاوتها بسهولت مشاهده میشود. با وجود اینکه قرآن در دوران گذشته دور با شرایط اقتصادی و اجتماعی آن زمان برای تغییر و تحول یک گام رو به پیش نوشته شد آزادی بیان، عقیده و تشکل را برسمیت میشناسد. آیا رژیم حاکم بعنوان یک «حکومت اسلامی» با وجود گذشت بیش از ۱۰۰۰ سال از آن زمان و با تغییر و تحول اقتصادی زیاد همین یک مورد مهم یعنی آزادی بیان، عقیده و تشکل را بعنوان یکی از قوانین قرآنی باجاء میگذارد؟ به هیچ وجه. ولی می بینید که در گفتار این جنایتکاران طرفداری از «انبیاء»، «قرآن» و «خدا» میکنند ولی در عمل دست به هر جنایتی باز هم بنام «انبیاء»، «قرآن» و «خدا» میزنند. این رژیم جنایتکار در عرض سه دهه بنام «اسلام»، «انبیاء» و «خدا» میلیونها نفر را به بهانه «میخواهیم اسلام را در جهان برقرار کنیم»، «میخواهیم قدس را آزاد کنیم» و غیره به اشکال مختلف بقتل رساندند و بیش از سه میلیون نفر را از کشور فراری دادند، صدها هزار نفر را زندانی و شکنجه کردند و غیره، ولی با وجود این همه اعمال جنایتکارانه با کمال پروئی در نشست «سازمان ملل» حرف از «احترام به اصالت انسان»، «عدالت»، «رفاه»، «آزادی» و غیره زدند.

حال به نکات دیگری که او مطرح کرد توجه کنید:

«به لطف خدا همچنان که مارکسیسم به تاریخ پیوست، سرمایه داری توسعه طلب نیز به تاریخ سپرده خواهد شد».

قبل از مطرح کردن هر نکته ای این را بگویم که «احمدی نژاد» (یا نویسندگان متن) فکر میکند که اول «مارکسیسم» یعنی نظام سوسیالیستی و کمونیستی در «جهان» برقرار شد و

بعد از اینکه «مارکسیسم به تاریخ پیوست» «سرمایه داری توسعه طلب» جایگزین آن گشت و بنابراین از نظر او حالا نوبت «سرمایه داری توسعه طلب» است که باید «به تاریخ» پیوندد! گوئی او و همفکران او شب را روز و روز را شب می بینند.

به هر حال، منظور او از «مارکسیسم» نه خود شخص مارکس بلکه سوسیالیسم و کمونیسم علمی است نمیتواند بنا به ادعای او «به تاریخ» پیوسته باشد، زیرا تاریخ تکاملی غالب اقتصاد اجتماعی «انسانها» به اشکال زیر فرم گرفتند و پیش تاختند:

اول، نظام برده داری است که البته در دوران محمد در منطقه عربستان نظام برده داری حاکم بود، دوم، نظام فئودالی است که قرآن بعنوان قوانینی علیه برده داری و مسلماً جایگزینی آن با نظام فئودالی بود مطرح گشت، سوم، نظام سرمایه داریست یعنی نظام کار مزدی با تمامی اشکال مختلف آن که هم اکنون در اکثر کشورها از جمله ایران برقرار است، و بعد نوبت نظام سوسیالیستی و کمونیستی است. بنابراین در این دوره اول باید نظام حاکم که سرمایه داریست «به تاریخ سپرده» شود و بعد نظامهای جدید اقتصاد اجتماعی حاکم گردند. تاکنون آن نظامهای تولیدی و توزیعی اجتماعی که بطور کامل «به تاریخ سپرده» شدند یکی نظام برده داریست و دیگری نظام فئودالی؛ و هنوز نظام سرمایه داری بطور کامل «به تاریخ سپرده» نشد چه برسد به «مارکسیسم» برقرار نشده در جهان. نکته دیگر اینکه هنوز از طرف هیچکس تئوری نظام اقتصادی یا تولیدی و توزیعی اجتماعی دیگری ارائه نشده است (امیدوارم «احمدی نژاد» و رژیم او شیرفهم شده باشند).

حال چند فاکت از قرآن ارائه میدهم تا نشان داده شود که قرآن در چه شرایط اقتصادی – اجتماعی بعنوان کتاب قانون آنها برای منطقه ای که هنوز فئودالیسم برقرار نگشته بود و جامعه درجا میزد مطرح گشت و معرف چه نظام تولیدی و توزیعی بود:

«نیکوکاری بدان نیست که روی بجانب مشرق و مغرب کنید چه این چیز بی اثری است لیکن نیکوکار کسی است که بخدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آرد و دارائی خود را در راه دوستی خدا بخویشاوندان و یتیمان و فقیران و رهگذران و گدایان بدهد و هم خود را در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز بپا دارد و زکوة مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کارزار و سختیها صبور و شکیبا باشد و بوقت رنج و تعب صبر پیشه کند کسانیکه بدین اوصاف آراسته اند آنها بحقیقت راستگویان (عالم) و آنها پرهیزکارانند (۱۷۷)» («سوره بقره»).

در این بند کاملاً مشاهده میشود که قرآن بعنوان ازجمله کتاب قانون در جامعه ای که هنوز شیوه تولیدی و توزیعی غالب برده داری («بنده» داری) بود مطرح شد و قوانین در قرآن نیز برای ازبین بردن همین شیوه تولیدی و توزیعی غالب یا حاکم آن زمان مطرح گشت. و آن نظام تولیدی و توزیعی که میتوانست در جامعه برقرار گردد همانا نظام فئودالی است که با کمی دقت کردن هم در این بند و هم در بندهای دیگر اقتصادی قرآن بسهولت مشاهده میشود.

«احمدی نژاد» در ادامه سخنان خود به «دوستان و همکاران» خود چنین فراخوان داد:

«امروز باید با یک تعهد جمعی، در برابر وضع موجود قیام کنیم».

اول او تمامی «دوستان و همکاران» خود را متهم به «ترجیح منافع مادی خود بر دیگران، با توسعه نابرابری و ستم»، «تحقیر انسانها، تجاوز و اشغالگری و فریب کاری، به دنبال تسلط بر جهان و تحمیل اراده خود بر ملتها» میکند و خود و رژیم جنایتکار خود را مدافع «ایمان به خدای یگانه و در پیروی از انبیاء الهی، با احترام به کرامت انسانها، و با عشق به نوع بشر، در صدد برپایی جهانی سرشار از امنیت، آزادی، رفاه و صلح پایدار مبتنی بر عدالت و معنویت» میکند و سپس از همین افراد متهم به شرارت و جنایتکاری میخواهد متعهدانه «در برابر وضع موجود قیام» کنند!!! بگذریم از مزخرفات و هذیانگوئیهای او و رژیم جنایتکار اش.

سؤال اصلی این است که: آیا «در برابر» کدام «وضع موجود» طلب کمک برای «قیام» کردید؟ آیا منظور شما علیه مارکسیستها یا بعبارت دیگر سوسیالیستها و کمونیستها است؟ وگرنه، «وضع موجود» را همانطور که مطرح کردی، باعث و بانی آن نظام سرمایه داری است که در تمامی کشورها برقرار کرد ازجمله در ایران. این «وضع موجود» تنها با برقراری «مارکسیسم»، یعنی با برقراری سوسیالیسم و کمونیسم علمی تغییر خواهد کرد نه با مزخرفات شما مانند برقراری «مناسبات اقتصادی اخلاقی و انسانی» (رجوع شود به «نکته چهارم» بند دوم). آیا «مناسبات اقتصادی اخلاقی و انسانی» هم وجود دارد؟ تئورسین این نظم چه کسی یا کسانی هستند؟ احتمالاً «احمدی نژاد»، «خامنه ای» و «دوستان و همکاران» او. وگرنه یهوه و «انبیاء» او چنین نظام تولیدی و توزیعی من درآوردی خنده داری را مطرح نکردند. اگر منظور کودنی مثل تو و «دوستان» تو آن «مناسبات»ی است که در ایران حاکم

است و توسط جنایتکارانی مانند شما پاسداری میشود و در تمامی این سه دهه و قبل از آن نیز حاکم بوده است باید بدانی که یک نظام سرمایه داری استبدادی و ارتجاعی عقب افتاده است که بخصوص در عرض این سه دهه سران این نظام تولیدی و توزیعی، حداقل ۳ میلیون نفر را به اشکال مختلف کشته و معلول کردند، حداقل سه میلیون را از کشور فراری دادند، میلیونها نفر را به مواد مخدر مبتلا کردند، صدها هزار نفر را زندانی و شکنجه کردند، کارگران و زحمتکشان در ایران را در فقر کامل سوق دادند و غیره و بعد از این همه اعمال جنایتکارانه در نشست «سازمان ملل» از «احترام به کرامت انسان»، «عدالت»، «عشق به نوع انسان»، «آزادی»، «رفاه» و غیره حرف میزنی. به هر روی، آیا هنوز هم فکر میکنید که «دوستان و همکاران» تاکنونی شما که فقط بخاطر غارت کردن کارگران و زحمتکشان ایران و سرکوب مارکسیستها یعنی سوسیالیستها و کمونیستها با شما «دوست» بودند، در این شرایط یعنی زمانی که یهوه بالا سر همه شماست جرأت خواهند کرد که به شما در اعمال جنایتکارانه شما کمک کنند؟ بعید بنظر میرسد.

حال باز هم برای اینکه بیشتر مشخص گردد که قرآن معرف چه نظام تولیدی و توزیعی بجای برده داری بود به سند زیرین نیز توجه نمائید:

«حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسران دو برابر دختران ارث برند پس اگر دختران بیش از دو نفر باشند فرض همه دو ثلث ترکه است و اگر یک نفر باشد نصف و فرض هر یک از پدر و مادر یک سدس ترکه است در صورتیکه میت را فرزند باشد و اگر فرزند نباشد و وارث منحصر بپدر و مادر باشد در این صورت مادر یک ثلث میبرد (و باقی بپدر رسد) و اگر میت را برادر باشد در این فرض مادر سدس خواهد برد پس از آن که حق وصیت و دین که بمال تعلق گرفته استثنا شود شما این را که پدران یا فرزندان و خویشان کدام یک بخیر و صلاح و بارث بردن بشما نزدیکترند نمی دانید (تا در حکم ارث مراعات کنید) (این احکام) فریضه ایست که خدا باید معین فرماید زیرا خداوند بهر چیز دانا و بهمه مصالح خلق آگاهست (۱۱) سهم ارث شما مردان از ترکه زنان نصف است در صورتیکه آنها را فرزند نباشد و اگر فرزند باشد ربع خواهد بود پس از خارج کردن حق وصیت و دینی که بدارائی آنها تعلق گرفته و سهم ارث زنان ربع ترکه شما مردانست اگر دارای فرزند نباشد و چنانچه فرزند داشته باشید ثمن خواهد بود پس از اداء حق وصیت و دین شما و اگر مردی بمیرد که وارثش کلاله

او باشد (برادر و خواهر امی یا هر خواهر و برادری) یا زنی بمیرد که وارثش یک برادر و یا خواهر او باشد در این فرض سهم ارث یکنفر از آنها سدس خواهد بود و اگر بیش از یکنفر باشند همه آنها ثلث ترکه را باشتراک ارث برند بعد از خارج کردن دین و حق وصیت میت در صورتیکه وصیت بحال ورثه بسیار زیان آور نباشد (یعنی زاید بر ثلث نباشد) این حکمی است که خدا سفارش فرموده و خدا بهمه احوال بندگان دانا و بهر چه کنند بردبار است (۱۲) آنچه مذکور شد احکام و اوامر خداست و هر کس پیرو امر خدا و رسول اوست او را ببهشتهائی درآورند که در زیر درختانش نهرها جاری است و آنجا منزل ابدی مطیعان خواهد بود و اینست سعادت و فیروزی بزرگ (۱۳) «(سوره زنان)».

همانطور که مشاهده میکنید این بندها معرف نظام برده داری نیستند زیرا برده چیزی برای ارث گذاشتن نداشت و همچنین معرف نظام سرمایه داری یعنی نظام کار مزدی نیز نیستند بلکه فقط معرف نظام فئودالی هستند که «به تاریخ سپرده شد».

و اما نکته مهم دیگری را که باید در اینجا به آن اشاره کنم این است که هر شخصی با خواندن این بندها به مسئله حق وراثت توجه میکند در صورتی که این حکم آموزش ریاضیات هم هست که به بهانه تقسیم اموال مطرح شد که البته به قول معروف با یک تیر دو نشان زدن است. توجه شود که ما در مورد زمانی صحبت میکنیم که در آن منطقه تعداد کسانی که خواندن و نوشتن می دانستند انگشت شمار بودند. از آنجائی که میبایست آموزش دیدن خیلی سریع جنبه عمومی پیدا میکرد، در آن شرایط اقتصادی - اجتماعی فقط حق وراثت بود که جنبه عمومی وسیع داشت. اگر مسئله حق وراثت خیلی ساده مطرح میشد یعنی فقط مطرح میشد که اموال خانواده در بین اعضای خانواده بطور مساوی تقسیم بشود، آموزش ریاضیات چندانی به مردم داده نمی شد چرا که حل این مسئله خیلی ساده است. ولی تقسیم اموال بدین طریق که در قرآن مطرح شد منجر به فکر کردن افراد و آموختن اشکال دیگری از فرمولهای ریاضیات میشود که تا آن زمان بدین شکل مطرح نشده بود. اینهم جنبه مهم دیگر مخفی یکی دیگر از کتب مذهبی که لازم دیدیم همزمان در اینجا مطرح گردد.

۴- در باره مبارزه مسلحانه

اعضاء و هواداران اتحادیه مارکسیستها باید هوشیارانه طبق آنچه مرکزیت ا. م مطرح میکند عمل کنند ازجمله رعایت اساسنامه ا. م. وقتی مطرح کردیم که باید علی‌العموم توده مردم مسلح شوند منظور ما این نیست که حتماً در گام نخست توده مردم به سلاحی مسلح گردند که همانند سلاح سبک و نیمه سنگین نیروهای نظامی و انتظامی باشد بلکه در جنگ‌های داخل شهری سلاحی که فقط برد مؤثر تقریباً ۱۰۰ متری داشته باشند کافیهست. زیرا در جنگ‌های داخل شهری میتوان با همین نوع سلاح از داخل تمامی ساختمانها با شلیک همزمان به نیروهای سرکوبگر که در کوچه‌ها، خیابانها و پشت بامها می ریزند آنان را فراری داد یا ازبین برد. و مسلماً سپس سلاح دور برد نیز بدست خواهد آمد. برای چنین عملیاتی باید سازماندهی کرد، یعنی بخصوص تشکل‌های کارگران و زحمتکشان سازماندهی شوند و همراه با اعتصابات سراسری و غیره عملیاتی نظامی سراسری صورت گیرد. البته در چنین جنگی یا مشابه آن هدف باید ازبین بردن کامل نیروهای سرکوبگر یا دخالتگر رژیم در جهت بچنگ آوردن قدرت سیاسی کامل باشد نه صرفاً جنگ و گریز یا اعتصابات و قطع اعتصابات و غیره. بنابراین رهبران تشکل‌های کارگران و زحمتکشان باید تمامی جوانب اعتصابات، جنگ و غیره را درنظر داشته و سپس وارد عمل گردند تا بتوانند تمامی تاکتیکهای جنگی رژیم حاکم را خیلی سریع خنثی کنند. آنچه که در مرحله اول یعنی از همین حالا مهم است اجراء گردد سازماندهی تشکل‌های کارگران و زحمتکشان و مسلح شدن مخفی توده مردم است. یک چنین رژیم استبدادی را باید بدون کوچکترین تزلزلی از طریق اعتصابات سراسری سازمان یافته و جنگ‌های داخلی سازمانیافته نابود کرد. این نکته را فقط اعمال همین سه دهه رژیم جنایتکار حاکم در ایران به اکثر کارگران، زحمتکشان، دانشجویان و دیگر طبقات فرو دست جامعه آموخت. در اینجا این نکته را هم تأکید کنم که هر کسی که مخالف مسلح شدن کارگران و زحمتکشان باشد دشمن آنان است.

همچنین میخواهم نکته دیگری را در این نوشته به اطلاع عموم برسانم. در این مدت بخاطر اعمال جنایتکارانه ای که علیه من، اعضاء و هواداران اتحادیه مارکسیستها از طرف مخالفین ما صورت گرفته است هشدارانه از آنان درخواست کرده بودم که نتنها از اعمال جنایتکارانه

خود دست بردارند بلکه هم معذرت خواهی کنند و هم خسارت بپردازند، ولی آنان نتنها معذرت خواهی نکردند و خسارتی هم نپرداختند بلکه برعکس به اعمال جنایتکارانه خود ادامه دادند. ازاینرو من بعنوان نبی این دوره از زمان، از یهوه تقاضا کردم که نتنها تمامی افرادی که علیه من، اعضاء و هواداران اتحادیه مارکسیستها اقدام میکنند ازبین ببرد بلکه بطور کلی نسل آنان را نیز بخاطر اعمال جنایتکارانه شان ازبین ببرد. این مسئله از مورخه ۱۹۹۲ میلادی که اولین اثر من تحت عنوان «برنامه کارگری» است و حتی قبل از آن مربوط میشود. تمامی افرادی که علیه ما اقدام کردند سازمانیافته و شناخته شده هستند ازجمله اعضاء «رژیم جمهوری اسلامی»، دولتهای کشور سوئد یعنی سران تشکل های سیاسی، پلیس سیاسی، قضات، شرکتهای و دیگر ارگانهای پلیسی و سیاسی در این کشور و دیگران هستند که کاملاً مشخص هستند. ناگفته نماند که تاکنون تعدادی از این جنایتکاران بطرق مختلف ازبین رفتند. به همین ترتیب هر فردی که از این به بعد نیز علیه من، اعضاء و هواداران اتحادیه مارکسیستها اقدام کند این تقاضای من از یهوه شامل او هم خواهد شد.

در آینده مردم با عملی شدن تقاضای من یعنی ازبین رفتن این افراد جنایتکار و نسل آنان و با ثبت مشخصات این افراد در تاریخ، بعنوان یک سند خواهند فهمید که یهوه من را بعنوان نبی انتخاب کرده بود و با من در ارتباط بود و هر آنچه که مطرح کردم با کمک و موافقت یهوه بود.

شاید افرادی بگویند که تقاضای یک چنین مجازاتی، مجازات سنگینی است. در جواب باید عرض کنم که اگر این افراد مطلع باشند که رژیم «جمهوری اسلامی» جنایتکار در این مدت دست به چه جنایاتی زده است و «دوستان و همکاران» بین المللی این رژیم علیه بخصوص خودم دست به چه اعمال جنایتکارانه ای زدند که بخشی از آن را در نوشتههای قبلی مطرح کردم مطمئناً خواهند پذیرفت که تقاضای من از یهوه تا این حد از مجازات کردن این افراد، درخواست عادلانه است. اتحادیه مارکسیستها به اندازه سرسوزنی مانع فعالیت سیاسی حتی «حزب الله» جنایتکار نشده است و مانع فعالیت سیاسی هیچ تشکل سیاسی ایرانی و غیر ایرانی نشده است و برای هیچ فرد و تشکلی در عرصه فعالیت سیاسی مزاحمت ایجاد نکرد و غیره. ولی آنان نتنها مانع فعالیت سیاسی اتحادیه مارکسیستها به اشکال مختلف شدند بلکه دست به اعمال جنایتکارانه وسیعی نیز بطرق مختلف علیه ما و دیگر تشکل های سیاسی مخالف سیاست خود زدند.

مناسب است در این نوشته در مورد «جهنم» و «بهشت» نیز نکته ای را مطرح کنم، البته نه آن «جهنم» و «بهشت» خیالی ای که کشیشان و آخوندها تبلیغ میکنند. به هر روی، «جهنم» و «بهشت» نام دو کرهٔ مختلف است که در منظومه های دیگر قرار دارند و بیهوده بطریقی افرادی را برای مجازات کردن و پاداش دادن به این دو مکان میبرد.

ضمناً، در خاتمه این را هم اعلام کنم که در اروپا و... ازجمله ایتالیا و سوئد در داخل آرد ماده ای مخلوط میکنند که مضر است. اثرات منفی آشکار آن شوره سر، ریزش مو، چروک شدن پوست و ورم کردن سر و صورت است.